

سیاست کوانتومی در خاورمیانه

چگونه می توان منطقه‌ای پر آشوب و ثروتمند را به سوی توسعه و امنیت هدایت کرد

ترجمه و افزوده: حسن فتحاحی

محمد باهارون*

ترجمه و افزوده: حسن فتحاحی

محمد باهارون*

ترجمه و افزوده: حسن فتحاحی

وقلسطن بر سر مسجدالاقصی یا معبد اورشلیم،جنگ‌ها بر سر مکان‌های مقدس ادامه داشته و دارد. به بیان دیگر، در تاریخ مدرن خاورمیانه به‌طور چشمگیری رویکرد بازیگران منطقه‌ای کماکان همان رویکرد کلاسیک سنتی است. چیزی که می‌توان آن را سیاست مبتنی بر فیزیک کلاسیک نامید. اشغال فلسطین، جنگ ایران و عراق، تهاجم عراق به کویت، جنگ دوم خلیج فارس و حتی جنگ داخلی یمن، همگی حول ملاحظات سرزمینی بوده‌اند. تنش‌هایی که یا بر سر از دست دادن سرزمین بوده یا بر سر به چنگ آوردن سرزمینی بوده است. فرار از این چرخه [معیوب] مستلزم دورشدن از یکی از دلایل اصلی این درگیری‌ها است؛ یعنی جغرافیا.

روندهای اخیر مشاهده‌شده به سمت کاهش تنش در منطقه، به‌ویژه در توافق‌نامه ابراهیم است. این توافق‌نامه نخست از سوی اسرائیل، بحرین و امارات در سپتامبر ۲۰۲۰ امضا شد. در چهار دهه گذشته کشورهای عربی دو نگرانی اصلی منطقه‌ای داشتند: یکی اسرائیل و دیگری ایران. توافق ابراهیم به دنبال کاهش تنش با اسرائیل بود و مذاکرات میان ایران و عربستان تلاشی برای کاهش تنش با ایران است برای نزدیکی هرچه بیشتر با یک رقیب سرسخت دیگر. پیمان ابراهیم البته نخستین نمونه صلح میان اسرائیل و یک کشور عربی نبود. مصر و اردن هر دو سال‌ها پیش از این پیمان قراردادهای صلحی را با اسرائیل امضا کرده بودند. اما نکته مهم اینجاست که امارات و بحرین هیچ‌کدام با اسرائیل مرز مشترک ندارند، اختلاف‌های مرزی هم ندارند. اردن و مصر با اسرائیل تنش مرزی داشتند و صلحی کلاسیک را امضا کردند، اما پیمان ابراهیم یا در نظر گرفتن این واقعیت که امارات و بحرین مشکلات جغرافیایی با اسرائیل ندارند، امضا شد و نشانگر این است که این توافق یک توافق کلاسیک صلح نیست، بلکه حول این محور است که درگیری‌ها و تنش‌ها کاهش یابد. تفاوت صلح مبتنی بر زمین و صلح بدون زمین مانند تفاوت میان فیزیک کلاسیک و فیزیک کوانتومی است. توافق‌نامه ابراهیم از طریق متغیرهای پویای ژئوپلیتیک برقرار نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از ملاحظات جدید است که به‌سرعت در حال تبدیل‌شدن به عوامل اصلی در رویکردهای منطقه‌ای کنونی است. رویکردی که برای رویارویی با درگیری‌های مزمن خاورمیانه است. همین رویکرد به‌ویژه در اجلاس سسران شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۱ سعودی‌ها و اماراتی‌ها را با قطری‌ها آشتی داد. نزدیک شدن

سیاست‌گذاری کوانتومی چیست؟

ژئوپلیتیک سنتی که در فارسی به آن جغرافیای سیاسی هم می‌گویند، به شکل سنتی آن که با نگرانی‌ها و اتحادهای سرزمینی مشخص می‌شود، آرام آرام جای خود را به «سیاست‌گذاری کوانتومی» در منطقه خاورمیانه می‌دهد. این تغییر در گام نخست از هوسویی ایدئولوژیک چشم‌پوشی می‌کند و در عوض بر مشارکت کشورهای منطقه که از جغرافیا فراتر می‌رود و بر فراروندهایی فراتر از پدافند است، متمرکز می‌شود. این فراروندی یا بهتر بگوییم رویکرد جدید در خاورمیانه، با توجه به مسائل جهانی مانند تغییرات اقلیم و پایداری در زنجیره تامین، ممکن است بتواند تنش‌های طولانی را حل کند و ثبات جهانی را بالاتر ببرد. با این حال مفهوم یا بگرت «سیاست/سیاست‌گذاری کوانتومی» نوباست و برای اینکه کاربری و اثربخشی‌اش را نشان دهد، نیاز به زمان داریم. این برمر در کتاب خود با نام «ابرقدرت: سه انتخاب برای نقش آمریکا در جهان» که به سال ۲۰۱۵ چاپ شد (همان سالی که توافق‌نامه برجام تصویب شد) می‌نویسد: ژئوپلیتیک

یا جغرافیای سیاسی انگیزه بسیاری از درگیری‌های بین‌المللی است؛ زیرا کشورها به دنبال پیشبرد منافع راهبردی خود و حفاظت از امنیت ملی خود در جهانی هستند که قدرت و منابع محدود است؛ چه درگیری بر سر سواحل رودخانه‌های حاصلخیز و بلندی‌های مستحکم، چه به بنادر طبیعی و مکان‌های مقدس و چه منابع طبیعی. رهبران نظامی و سیاسی مدت‌هاست که درک کرده‌اند کنترل [با استیلا] بر جغرافیا مظهر و نیام قدرت است. تاریخ منطقه خاورمیانه هم بارها با چنین مبارزاتی بر سر ویژگی‌های فیزیکی و راهبردی طبیعی گره خورده و شناخته شده است. رقابت برای آب‌های رودخانه نیل از زمان حضرت موسی تا به امروز که برای نمونه بر سر سد نوزایی بزرگ اتیوپی تنش وجود دارد. همواره محل کشمکش بوده است. سد نوزایی بزرگ اتیوپی با نام اختصاری جی‌اِی‌اِی‌آر‌دی، روی رودخانه نیل است و احداث و آبگیری آن با تنش‌هایی بین مصر و سودان همراه بوده است. درگیری‌ها بر سر شهرهای مهم بندری خاورمیانه را دست‌کم می‌توان به دوره جنگ‌های یونیک (۱۶۴ تا ۱۶۴۶ پیش از میلاد) نسبت داد. یکی از عوامل مهم در جنگ امروزی یمن هم بر سر بندر حیدبه، مشرف به دریای سرخ است. مکان‌های مقدس هم بیشتر وقت‌ها در کانون درگیری‌های جغرافیایی در منطقه بوده‌اند. از زمان لشکرکشی ابرهه حاکم حبشی ثبار یمن به مکه تا جنگ‌های صلیبی و تا تنش‌های کنونی اسرائیل

سیاست‌گذاری یا مدیریت کوانتومی عنوانی نوپا در دانش حکمرانی است که اصولی کلی را از فیزیک کوانتومی گرفته و در مفاهیم مدیریت و سیاست‌گذاری سازمانی ادغام می‌کند. این سبک از سیاست‌گذاری بر دو اصل «سازگاری» و «هم‌انصالی» تاکید دارد. برخی از مفهوسم «هم‌انصالی» با عنوان «به‌هم‌پیوستگی» هم یاد می‌کنند که با توجه به تعریف استاندارد سیاست‌گذاری کوانتومی چندان درست نیست. سیاست‌گذاری کوانتومی به راهبردها، راهکارها و رویکردهایی در دولت یا سازمان اشاره دارد که ساختارها را به شکل یک شبکه خودسازگار و انطاق‌پذیر پیچیده در نظر می‌گیرد. نگره سیاست‌گذاری کوانتومی بر چند اصل استوار است:

۱- خودسازمان‌دهی: سازمان‌ها یا کشورها یا نهادها یا وزارتخانه‌ها باید به جای تحمیل ساختارهای سخت و سخت، امکان سازگاری و

خودسازمان‌دهی را فراهم آورند. این فراروند به مصرف بهینه انرژی در ساختار هم منجر می‌شود.

۲- رویکرد کل‌نگر: در سیاست‌گذاری با سیاست‌ورزی کوانتومی،

چگونه می توان منطقه‌ای پر آشوب و ثروتمند را به سوی توسعه و امنیت هدایت کرد

ترجمه و افزوده: حسن فتحاحی

محمد باهارون*

ترجمه و افزوده: حسن فتحاحی

محمد باهارون*

ترجمه و افزوده: حسن فتحاحی

امارات و ترکیه در سال ۲۰۲۲ و عادی‌شدن روابط میان عربستان و ایران نمونه‌هایی از این رویکرد جدید است (همان رویکردی که سیاست‌مداران عنوان کوانتومی‌بودن را برایش به کار می‌برند). این نمونه‌ها نباید به‌عنوان شاهدهی بر عمل‌گرایی تاکتیکی صرف، براساس شعار لُرد هنری جان تمپل‌پالمرستون که می‌گفت دوستان ا